

نقد اشکالات فخررازی به ابن‌سینا درباره حقیقت علم

سیده زهرا موسوی بایگی^۱، وحید خادم‌زاده^۲

چکیده

فلاسفه مسلمان اگرچه بصورت خاص به مباحث معرفت‌شناسی نپرداخته‌اند اما در باب کلیات علم و معرفت، بتفصیل سخن گفته‌اند. شیخ‌الرئیس، در آثار متعدد خود، بمناسبت‌های مختلف، تعابیر متفاوتی درباره چستی علم بیان کرده و گاهی علم را صرفاً کیف، گاهی کیف دارای اضافه و گاه صرفاً اضافه دانسته است. همچنین تعبیر علم به مجرد از ماده نیز در آثار او بچشم میخورد. این تعدد عبارات، برای افرادی همچون فخررازی، دستاویزی شده تا اندیشه شیخ را مورد نقد و جرح قرار دهند. فخررازی در مواضع متعدد از آثارش تأکید میکند که دیدگاه ابن‌سینا در باب علم متشکست بوده و نتوانسته به دیدگاهی واحد درباره حقیقت علم دست یابد. پژوهش حاضر که به روش تحلیلی - توصیفی و با رویکرد نقادانه نوشته شده، میکوشد پس از نقل ادعای فخررازی، صحت آن را ارزیابی نماید، سپس بسراغ آثار او رفته تا تعاریف علم نزد وی را بررسی نماید. نتیجه بدست‌آمده از بررسیها نشان میدهد که اگرچه برخی مشکلات مبنایی در دیدگاه شیخ‌الرئیس وجود دارد، اما سخنان ابن‌سینا بر اساس مبنایی او، مستحکم و قابل تحویل به دیدگاهی واحد است این درحالیست که رازی خود در مسئله مذکور دچار دوگانه‌گویی شده است.

۱۰۵

۱. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛ zmousavibaygi@gmail.com

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛ v.khademzadeh@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۵ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.3.4.4

کلیدواژگان: حقیقت علم، صورت، کیف، اضافه، ابن سینا، فخررازی.

مقدمه و طرح مسئله

اگرچه شناخت علم و نحوه حصول آن و بطور کلی مباحثی که ذیل آن قرار میگیرند، بعنوان شاخه‌یی مستقل، سابقه‌یی دیرینه در فلسفه اسلامی ندارد اما مسئله علم همواره برای اندیشمندان مسلمان مهم بوده است. آنها برای گریز از محذور سفسطه و گشودن راه علم، با اتکا به بداهت وجدانیات، از همان ابتدا پذیرفته‌اند که فارغ از انسان، واقعیت‌هایی مستقل وجود دارند و این واقعیت‌ها قابل شناخت هستند. پذیرش این پیش‌فرض بدیهی (دست‌کم بعقیده فلاسفه مسلمان) مستلزم پرداختن به مباحثی از جمله چیستی و ماهیت علم است. فلاسفه مسلمان، بویژه شیخ‌الرئیس بطور مفصل اما پراکنده، در باب ماهیت علم سخن گفته‌اند.

ابن سینا تأثیر بسزایی بر فلسفه و حکمت اسلامی داشت. پس از او افراد بسیاری به شرح یا جرح اندیشه وی پرداختند که یکی از آنها فخررازی است. او اگرچه شرح متعددی بر آثار شیخ نگاشته اما در بیشتر مواقع حد اعتدال در شرح‌نویسی را رعایت نکرده و به جرح اندیشه شیخ پرداخته است.^۱ یکی از مواردی که رازی به نقد، و بلکه طعن ابن سینا پرداخته، مسئله چیستی علم است.

فخررازی، تعبیر ابن سینا در باب علم را قطعاتی از هم‌گسیخته، مضطرب و بی‌ارتباط با هم میداند. بنظر او، ابن سینا در مجموع چهار نظر درباره علم ارائه داده که بر همه آنها نقدهایی وارد است. پژوهش حاضر درصدد است در گام نخست، انتقادات فخر را طرح، ارزیابی و تحلیل کرده و سپس به دیدگاه خود وی در باب علم بپردازد و آن را مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین دو پرسش اساسی در این پژوهش مطرح است؛ نخست آنکه آیا همانگونه که فخررازی ادعا میکند، دیدگاه ابن سینا در باب علم مضطرب و آشفته است؟ دیگر اینکه آیا فخررازی خود توانسته است دیدگاه منسجم و بدور از اضطراب درباره ماهیت علم، ارائه کند؟

تبیین ادعای فخررازی در باب ماهیت علم نزد شیخ‌الرئیس

همانطور که گذشت، بنظر رازی عبارات بوعلی پیرامون حقیقت علم، در نهایت

۱۰۶



سال ۱۲، شماره ۳
زمستان ۱۴۰۰